

رابطه ویژگی‌های شخصیتی با هوش معنوی و کیفیت زندگی در

دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی

نرگس نصرافهانی^۱، احمد اعتمادی^۲

چکیده

شخصیت هر فرد اصلی‌ترین بعد و ساختار روانشناختی اوست؛ که به شکل‌گیری سبک زندگی وی کمک می‌کند. لذا پژوهش حاضر به منظور تعیین رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی با هوش معنوی و کیفیت زندگی در بین دانشجویان انجام گرفت. این پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. نمونه این پژوهش ۱۰۰ دختر و ۱۰۰ پسر دانشجوی دانشگاه علامه طباطبایی در سال تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸ بودند که به روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه‌های هوش معنوی، کیفیت زندگی و پنج عاملی شخصیت استفاده و داده‌ها نیز با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون گام به گام از طریق نرم افزار SPSS-۱۹ تجزیه و تحلیل شد. یافته‌ها نشان داد که هوش معنوی و همچنین کیفیت زندگی با ابعاد شخصیتی برون‌گرایی، دلپذیر بودن، وجدان‌گرایی و تجربه‌پذیری رابطه مثبت معنادار و با روان‌نژندگرایی رابطه منفی معنادار داشت. از بین ویژگی‌های شخصیتی سه ویژگی برون‌گرایی، دلپذیر بودن و روان‌نژندگرایی توانستند حدود ۲۰ درصد از واریانس هوش معنوی را تبیین کنند. همچنین دو ویژگی روان‌نژندگرایی و وجدان‌گرایی نیز توانستند حدود ۴۱ درصد واریانس کیفیت زندگی را تبیین نمایند. این یافته‌ها می‌تواند بیانگر این باشد که هوش معنوی یک بعد جداگانه از شخصیت است و بدین منظور باید مورد بررسی و پژوهش بیشتر قرار گیرد. همچنین روابط مشاهده شده بین کیفیت زندگی و ویژگی‌های شخصیتی این مسأله را نشان دهد که افراد با کیفیت زندگی بالاتر می‌توانند روابط بین فردی سالم‌تر و موفق‌تری برقرار نموده و رضایت دیگران را جلب نمایند.

کلید واژگان: شخصیت، کیفیت زندگی، معنویت، ویژگی

مجله تخصصی پژوهش و سلامت

مرکز تحقیقات توسعه اجتماعی و ارتقای سلامت گناباد

نوره‌ی ۲، شماره‌ی ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۱

مقاله اصیل پژوهشی

۱. نویسنده مسؤول: کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، باشگاه پژوهشگران جوان، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خمینی شهر
نشانی: اصفهان، خمینی شهر، منظره، دانشگاه آزاد اسلامی
تلفن: ۰۳۱۱-۳۶۶۴۱۰۲

پست الکترونیکی:

nargess.nasrifahani@iaukhsh.ac.ir

۲. دکتری تخصصی مشاوره، دانشیار گروه روانشناسی و مشاوره، دانشگاه علامه طباطبایی

دریافت: ۹۰/۹/۱۰

اصلاح نهایی: ۹۱/۵/۲۰

پذیرش: ۹۱/۵/۲۶

مقدمه

شخصیت هر فرد اصلی‌ترین بعد و ساختار روانشناختی اوست؛ که به شکل‌گیری سبک زندگی وی کمک می‌کند. در دهه‌های اخیر، عده‌ای با طرح صفاتی، برای شخصیت و استفاده از روش‌های آماری پیچیده نظیر تحلیل عوامل، توانستند جایگاه مناسبی را در بین متخصصان برای خود باز کنند [۱]. یکی از کارآمدترین و جامع‌ترین نظریه‌های مطرح شده در باب شخصیت، نظریه پنج عاملی کاستم و مک کری است. بر اساس این دیدگاه، شخصیت ساختاری دارای سلسله مراتبی با ۵ بعد اصلی در بالاترین مرتبه و قابل فروگاهی به اجزا یا صفات رده پایین‌تر است. پنج عامل اصلی شخصیت شامل روان نژندگرایی (Neuroticism)، برونگرایی (Extraversion)، تجربه‌پذیری (Openness)، دلبذیر بودن (Agreeableness) و وجدان‌گرایی (Conscientiousness) هستند. روان نژندگرایی به تمایل برای تجربه اضطراب، تنش، خودخوری، خصومت، تکانشوری، کمرویی، تفکر غیر منطقی، افسردگی و عزت نفس پایین اطلاق می‌شود. برونگرایی تمایل به مثبت بودن، قاطعیت، تحرک، مهربانی و اجتماعی بودن است. تجربه‌پذیری عبارت از تمایل به کنجکاوی، هنرنمایی، خردورزی، انعطاف‌پذیری، روشنفکری و نوآوری می‌باشد. دلبذیر بودن به تمایل برای گذشت، مهربانی، سخاوتمندی، اعتماد ورزی، همدلی، فرمانبرداری و وفاداری اطلاق می‌شود. وجدان‌گرایی نیز عبارت از تمایل به سازمان دهی، کارآمدی، قابلیت اعتماد، خویشتنداری، پیشرفت‌گرایی، منطق‌گرایی و تعمق است [۲، ۳].

ظاهراً بین هوش و فرایندهای شخصیتی رابطه وجود دارد [۴]. هوش، مجموعه‌ای از ابزار برای رسیدن به بارآوری، اثربخشی، سعادت، رضایت و در نهایت با معنا بودن در زندگی است [۵]. ایمنوز معتقد است که معنویت می‌تواند شکلی از هوش تلقی شود زیرا عملکرد و سازگاری فرد را پیش‌بینی می‌کند و قابلیت‌هایی را مطرح می‌کند که افراد را قادر می‌سازد به حل مسائل پردازند و به اهدافشان دسترسی داشته باشند [۶].

سازه هوش معنوی (Spiritual Intelligence) در ادبیات آکادمیک روانشناسی برای اولین بار در ۱۹۹۶ توسط استیونز (به نقل از میرشمسی) رواج یافت. آنچه که موجب شده است تا سازه معنویت، به عنوان هوش مفهوم سازی شود، آن دسته از مشاهدات و یافته‌های علمی است که بیان‌کننده کاربرد الگوی ویژه‌ای از افکار و هیجانات در زندگی روزمره برای افزایش سازگاری، بهزیستی و حل مسائل می‌باشد [۷]. طبق نظر لوین تجربه معنویت به عنوان یک بخش درونی از خویشتن در جهت توانایی به کارگیری اصول اخلاق معنوی در رفتار و زندگی لازم است و هوش معنوی هنگامی آشکار می‌شود که معنویت، خود را با بقیه زندگی یکپارچه کند و طبق اصول معنوی عمل نماید. از نظر وی بلوغ معنوی که با توجه به مصلحت عمومی و بهزیستی برای همه مشخص می‌شود، نتیجه یک هوش معنوی خوب توسعه یافته است [۸].

هوش معنوی مفاهیم، معنویت و هوش را درون یک سازه جدید ترکیب می‌کند و به انسان این فرصت را می‌دهد که در مقابل واقعیت‌های مادی و معنوی حساس باشد و تعالی را هر روز در لابه لای اشیاء، مکان‌ها، ارتباطات و نقش‌ها دنبال کند [۹]. مثل هر بخشی از دانش، سطوح پیشرفتگی و تحول در بینش و توانایی‌های معنوی در بین افراد بسیار متفاوت می‌باشد و هوش معنوی در بین انسان‌ها به طرق و اندازه‌های متفاوتی آشکار می‌شود [۱۰]. زوهر و مارشال (به نقل از هالاما و استریزنس) مشخصات افرادی که دارای هوش معنوی بالا هستند، را این گونه ذکر کرده‌اند: این افراد انعطاف‌پذیر هستند، درجه بالای هوشیاری نسبت به خویشتن را دارند، توانایی برای رویارویی با مشکلات، دردها و چیره شدن بر آن‌ها را دارند. همچنین الهام از طریق ارزش‌ها و بصیرت‌ها، اجتناب از بد کردن به دیگران، تفکر وحدت‌گرا، پی بردن به روابط بین اشیاء و پدیده‌های مختلف، جستجو برای پاسخ دادن به سؤال‌های اساسی، عدم وابستگی به دیگران و مقاومت در برابر شیوه‌ها و سنت‌های معمول جامعه از ویژگی‌های دیگر آنها است [۱۱]. بنابراین، به نظر می‌رسد که ویژگی‌های

شخصیتی با تفاوت‌های فردی در ساخت و ابراز هوش معنوی در ارتباط باشد [۴، ۱۲].

پژوهش‌های مختلف نیز نشان داده‌اند که بین هوش معنوی و عوامل روان شناختی رابطه وجود دارد. به عنوان مثال یافته‌های بوژمهرانی نشان داد که بین هوش معنوی و برخی از اختلالات شخصیتی رابطه وجود دارد [۱۳]. همچنین یافته‌های دیگر بر نقش قابل ملاحظه ویژگی‌های شخصیتی در هوش معنوی افراد تأکید می‌نماید و این ویژگی‌ها را به عنوان یک عامل پیش بینی کننده در افزایش هوش معنوی معرفی می‌کنند [۱، ۱۴، ۱۵].

علاوه بر مطالب عنوان شده در طی دو دهه گذشته کیفیت زندگی (Quality of Life) که مفهومی چند بعدی است یکی از مهم‌ترین موضوعات تحقیقات بالینی بوده است. سازمان جهانی بهداشت آن را چنین تعریف می‌کند «درک فرد از وضعیت زندگی‌اش با توجه به فرهنگ و نظام‌های ارزشی و ارتباط آن با اهداف، انتظارات، علایق، استانداردها و تجربیات زندگی»، این مفهوم تعریف وسیعی دارد که بر وضعیت سلامت فیزیکی، وضعیت روانی، استقلال، ارتباطات اجتماعی و عقاید شخصی فرد تأثیرگذار است [۱۶]. پژوهش‌های هایس و جوزف، ویدیگر و همچنین ویدیگر و سدلیتز در زمینه بررسی عوامل تأثیر گذار در سلامت افراد نشان داد که شخصیت افراد می‌تواند مهم‌ترین عامل تأثیر گذار در سازگاری، سلامتی و کیفیت زندگی آنان به شمار آید و در ایجاد، کاهش یا از میان بردن علایم اختلالات روانی نقش مهمی را ایفا کند [۱۷، ۱۸، ۱۹]. کینگ و هیندس (به نقل از میرشمسی) نیز کیفیت زندگی را به معنای چگونگی زندگی می‌دانند که در برگیرنده تفاوت‌های انحصاری افراد است و می‌تواند افراد را از یکدیگر متمایز گرداند [۷].

با توجه به مطالب عنوان شده در زمینه ویژگی‌های شخصیتی، معنویت، هوش معنوی و کیفیت زندگی و اینکه دانشجویان هر کشور، گروه قابل‌تر و ممتازتر از بقیه افراد جامعه محسوب می‌شوند، این افراد جهت مطالعه در پژوهش حاضر انتخاب شدند. همچنین با توجه به اینکه در بررسی

عوامل مؤثر در کیفیت زندگی و هوش معنوی کمتر به نقش عوامل درونی و مهم‌تر از همه، نقش ابعاد شخصیتی اهمیت داده شده است. بنابراین پژوهش حاضر با هدف تعیین ارتباط بین ویژگی‌های شخصیتی با هوش معنوی و کیفیت زندگی در بین دانشجویان انجام شد.

روش پژوهش

این پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری مورد مطالعه تمامی دانشجویان مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی در سال تحصیلی ۸۸-۸۹ بودند. از این میان ۲۰۰ نفر بر اساس فرمول مورگان به روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. بدین ترتیب که ابتدا از بین ۷ دانشکده، دانشکده روانشناسی، علوم تربیتی، حقوق و علوم سیاسی به تصادف انتخاب و سپس از بین ۹ گروه آموزشی دایر در این دانشکده‌ها از هر گروه یک کلاس به تصادف انتخاب و تمامی دانشجویان این کلاس‌ها که جمعاً ۲۰۹ نفر بودند به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند و به پرسش‌نامه‌های هوش معنوی، کیفیت زندگی و پنج عاملی پاسخ دادند. البته به دلیل اشکالاتی که ۹ نفر از آزمودنی‌ها در پرسش‌نامه‌های خود داشتند، از روند پژوهش کنار گذاشته شدند. بنابراین حجم نهایی نمونه مورد بررسی ۲۰۰ نفر شد. به منظور تجزیه تحلیل داده‌های این پژوهش نیز از شاخص‌ها و روش‌های آماری نظیر میانگین، انحراف معیار، همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون گام به گام تحت نرم افزار SPSS-۱۹ استفاده شد. ابزارهای مورد استفاده در این مطالعه عبارت بودند از:

۱. پرسشنامه پنج عاملی شخصیت (The Big Five (BFI Inventory) این پرسش‌نامه در سال ۱۹۹۱ توسط الیور و جان به منظور بررسی پنج عامل بزرگ شخصیت (روان‌نژندگرای، برون‌گرایی، تجربه‌پذیری، دلبذیر بودن و وجدان‌گرایی) ساخته شد و دارای ۴۴ سؤال بود. پرسش‌نامه مذکور توسط عابدی ترجمه و پس از بررسی مقدماتی روی ۱۰۰ نفر با حذف ۹ سؤال دارای ۳۵ سؤال شد. در این فارسی فرم ۳۵

که رابطه مثبت معنی داری بین آنها وجود دارد ($P=0/0001$) و $r=0/55$ که نشان می‌دهد پرسشنامه هوش معنوی از اعتبار لازم برخوردار است. به منظور نمره گذاری این مقیاس ۴۲ ماده‌ای برای هر یک از پنج گزینه «کاملاً موافق»، «موافق»، «تا حدودی»، «مخالف»، «کاملاً مخالف» به ترتیب مقادیر ۵، ۴، ۳، ۲، ۱ در نظر گرفته شد. بنابراین پایین‌ترین و بالاترین امتیاز در این پرسش نامه به ترتیب ۴۲ تا ۲۱۰ می‌باشد و نمرات بالاتر نشان دهنده هوش معنوی بالاتر است [۲۱]. در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۷۹ بدست آمد که نشان دهنده این است که پرسشنامه از پایایی خوبی برخوردار است.

۳. پرسشنامه کیفیت زندگی (The Short Form Health Survey): این پرسشنامه توسط سازمان بین‌المللی بررسی کیفیت زندگی تهیه شده و شامل ۳۶ سؤال در دو حیطه جسمی و روانی می‌باشد که هشت خرده مقیاس مرتبط با سلامت را مورد سنجش قرار می‌دهد: عملکرد جسمانی، نقش جسمانی، درد بدنی، عملکرد اجتماعی، نقش هیجانی، سلامت عمومی، سرزندگی و سلامت روان. هر خرده مقیاس دارای ۲ تا ۱۰ سؤال می‌باشد. این آزمون از صفر تا صد نمره گذاری شده و نمره بالاتر نشان دهنده کیفیت زندگی بهتر است. این پرسشنامه روایی و اعتبار بالایی دارد. روایی و اعتبار پرسشنامه را برای اولین بار در ایران منتظری و همکاران بر روی ۴۱۶۳ نفر در رده سنی ۱۵ سال به بالا ارزیابی کردند، که بیشتر آنها متأهل بودند. ضریب پایایی در هشت بعد ۰/۷۷ تا ۰/۹۵ به غیر از سرزندگی که ۰/۶۵ بود. در مجموع یافته‌ها نشان داد که نسخه ایرانی این پرسشنامه، با روایی و اعتبار بالا برای اندازه گیری کیفیت زندگی در بین جمعیت عمومی ابزاری مناسب است [۲۲]. در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۸۰ بدست آمد که نشان دهنده این است که پرسشنامه از پایایی خوبی برخوردار است.

سؤالی هر یک از ۵ عامل بزرگ شخصیت دارای ۷ سؤال بوده و در نتیجه امتیاز هر بعد از آن بین ۰ تا ۳۵ در نوسان می‌باشد. بشیری روایی این پرسشنامه را در چند مرحله مورد بررسی قرار داد. بدین منظور ابتدا ضریب همبستگی پیرسون بین سؤالات و نمره کل بررسی شد، پس از حذف سؤالات نامناسب و اجرای آزمون روی ۵۰۰ نفر نمرات با روش غیر خطی به نمرات Z تبدیل شد. سپس این نمرات با تبدیل خطی به نمرات T با میانگین ۵۰ و انحراف معیار ۱۰ تبدیل گردید [۲۰]. در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۸۵ بدست آمد، نشان دهنده این است که پرسشنامه از پایایی خوبی برخوردار است.

۲. پرسشنامه هوش معنوی: پرسشنامه ۴۲ ماده‌ای هوش معنوی در سال ۱۳۸۹ توسط بدیع و همکاران ساخته شده است. این پرسشنامه دارای ۴ عامل می‌باشد. عامل اول دارای ۱۲ ماده است. ماده‌هایی که روی عامل اول قرار گرفته‌اند به روشنی تفکر کلی و اعتقادی افراد را نشان می‌دهد، لذا عامل اول به عنوان «تفکر کلی و بعد اعتقادی» نامگذاری گردید. عامل دوم دارای ۱۴ ماده می‌باشد. ماده‌هایی که روی عامل دوم قرار گرفته‌اند به روشنی توانایی مقابله و تعامل با مشکلات را نشان می‌دهند و این عامل به عنوان «توانایی مقابله و تعامل با مشکلات» نامگذاری گردید. عامل سوم دارای ۹ ماده می‌باشد. ماده‌هایی که روی عامل سوم قرار گرفته‌اند به روشنی سجایای اخلاقی افراد را نشان می‌دهند از این رو عامل سوم به عنوان «پرداختن به سجایای اخلاقی» نامگذاری گردید. عامل چهارم دارای ۷ ماده می‌باشد، ماده‌هایی که روی عامل چهارم قرار گرفته‌اند به روشنی خودآگاهی و عشق و علاقه افراد را نشان می‌دهند و به عنوان «خودآگاهی و عشق و علاقه» نامگذاری گردید. برای تعیین پایایی پرسشنامه هوش معنوی از دو روش آلفای کرونباخ و تصنیف استفاده شد که برای کل پرسشنامه به ترتیب برابر با ۰/۷۸ و ۰/۸۵ می‌باشد که بیانگر پایایی قابل قبول پرسشنامه یاد شده است. همچنین برای تعیین اعتبار پرسشنامه یاد شده نمره آن با نمره سؤال ملاک همبسته شده و مشخص گردید،

یافته‌ها

(۱۰/۹ درصد)، کتابداری (۹/۱ درصد)، تربیت بدنی (۹/۸ درصد)، حقوق (۱۲/۲ درصد)، حقوق عمومی و بین‌الملل (۱۲ درصد)، علوم سیاسی (۱۱/۱ درصد) و روابط بین‌الملل (۱۰/۹ درصد) انتخاب شدند. جدول شماره ۱ میانگین و انحراف معیار نمره‌های پنج عامل بزرگ شخصیت، کیفیت زندگی و هوش معنوی را در کل دانشجویان به تفکیک دختر و پسر نشان می‌دهد.

نتایج ویژگی‌های جمعیت شناختی نمونه نشان داد که از مجموع ۲۰۰ دانشجوی، ۱۰۰ دختر (۵۰ درصد) و ۱۰۰ پسر (۵۰ درصد) مورد بررسی اکثریت مجرد (۸/۸۹ درصد) و اغلب دارای مدرک کارشناسی ارشد (۲/۶۲) و مابقی کارشناسی (۸/۲۷ درصد) بودند، که از بین ۹ گروه روانشناسی (۱۲/۱ درصد)، مشاوره (۱۱/۹ درصد)، علوم تربیتی

جدول شماره ۱: داده‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار	کمترین	بیشترین
هوش معنوی	دختر	۱۰۰	۱۴۴/۷۰	۱۱/۱۱	۱۲۲	۱۸۲
	پسر	۱۰۰	۱۳۶/۸۲	۱۷/۳۶	۱۰۳	۱۷۸
کیفیت زندگی	دختر	۱۰۰	۷۴/۹۴	۱۳/۰۲	۴۳	۹۶
	پسر	۱۰۰	۷۲/۲۰	۱۵/۴۹	۳۹	۹۷
برون گرایی	دختر	۱۰۰	۲۴/۳۰	۴/۵۰	۱۶	۳۳
	پسر	۱۰۰	۲۲/۷۰	۴/۶۲	۱۴	۳۵
دلپذیر بودن	دختر	۱۰۰	۲۷/۶۸	۳/۷۹	۱۹	۳۴
	پسر	۱۰۰	۲۷/۱۴	۵/۳۹	۱۰	۳۵
وجدان گرایی	دختر	۱۰۰	۲۴/۲۰	۳/۷۸	۱۶	۳۰
	پسر	۱۰۰	۲۳/۸۰	۴/۳۳	۱۳	۳۱
روان نژندگرایی	دختر	۱۰۰	۱۶/۸۴	۵/۱۲	۸	۲۸
	پسر	۱۰۰	۱۷/۶۴	۵/۶۱	۸	۳۱
تجربه پذیری	دختر	۱۰۰	۲۴/۸۴	۴/۱۸	۱۴	۳۲
	پسر	۱۰۰	۲۳/۶۲	۳/۹۵	۱۵	۳۲

همبستگی بین هوش معنوی، کیفیت زندگی و ابعاد شخصیت در جدول شماره ۲ ارائه شده است. نتایج ارائه شده در این جدول نشان می‌دهد که بین هوش معنوی و ابعاد شخصیتی برون گرایی، دلپذیر بودن، وجدان گرایی و تجربه پذیری رابطه مثبت معنادار و بین هوش معنوی و روان نژندگرایی رابطه منفی معنادار وجود داشت. همچنین بین کیفیت زندگی و ابعاد شخصیتی برون گرایی، دلپذیر بودن، وجدان گرایی و تجربه پذیری رابطه مثبت معنادار و بین کیفیت زندگی و روان نژندگرایی رابطه منفی معنادار مشاهده شد.

همان طور که در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود، میانگین هوش معنوی در گروه دختران ۱۴۴/۷۰ و در گروه پسران ۱۳۶/۸۲ است. همچنین میانگین کیفیت زندگی در گروه دختران و پسران به ترتیب ۷۴/۹۴ و ۷۲/۲۰ می‌باشد. در بین ویژگی‌های شخصیتی نیز در هر دو گروه میانگین روان نژندگرایی در پایین‌ترین سطح و میانگین دلپذیر بودن در بالاترین سطح قرار دارد.

در ادامه جهت بررسی ارتباط متغیرهای پژوهش، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردید. نتیجه ضرایب

جدول شماره ۲: ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۸
هوش معنوی	۱						
کیفیت زندگی	۰/۵۵**	۱					
برون گرایی	۰/۳۷۷**	۰/۲۳۹**	۱				
دلپذیر بودن	۰/۲۹۶**	۰/۴۶۳**	۰/۳۷۷**	۱			
وجدان گرایی	۰/۱۴۱*	۰/۴۵۰**	۰/۳۲۹**	۰/۵۰۳**	۱		
روان	-۰/۰۷۴*	-۰/۶۱۵**	-۰/۴۱۲**	-۰/۵۵۸**	-۰/۴۷۲**	۱	
نزندگرایی							
تجربه پذیری	۰/۱۶۷*	۰/۳۶۴**	۰/۳۷۱**	۰/۵۳۷**	۰/۴۵۷**	-۰/۳۴۱**	۱
*معناداری در سطح ۰/۰۵ **معناداری در سطح ۰/۰۱							

منظور بررسی اینکه چه مقدار از واریانس هوش معنوی دانشجویان توسط ابعاد شخصیتی آنان تبیین می‌شود، از روش رگرسیون گام به گام استفاده شد. بدین منظور، متغیر هوش

معنوی به عنوان متغیر ملاک و ابعاد شخصیت به عنوان متغیر پیش بین وارد مدل رگرسیون شدند. نتایج حاصل در جدول شماره ۳ ارائه شده است.

جدول شماره ۳: خلاصه نتایج رگرسیون ویژگی‌های شخصیتی جهت هوش معنوی

متغیر پیش بین	B	β	T	سطح معناداری	R	R^2	F	سطح معناداری
برون گرایی	۱/۱۹۱	۰/۳۶۵	۵/۱۳۴	۰/۰۰۰				
دلپذیر بودن	۰/۹۴۷	۰/۲۹۳	۳/۷۴۶	۰/۰۰۰	۰/۴۴۵	۰/۲۰۵	۱۷/۰۲۷	۰/۰۰۰
روان نزندگرایی	۰/۶۷۳	۰/۲۴۰	۳/۰۲۲	۰/۰۰۳				

نتایج حاصل از مدل رگرسیونی نشان داد که از پنج ویژگی شخصیتی فقط سه ویژگی برون گرایی، دلپذیر بودن و روان نزندگرایی وارد مدل رگرسیونی شدند و این ویژگی‌های شخصیتی توانستند تنها حدود ۲۰ درصد از واریانس متغیر هوش معنوی را تبیین کنند. علاوه بر این به منظور بررسی اینکه چه مقدار از واریانس کیفیت زندگی دانشجویان توسط

ابعاد شخصیتی آنان تبیین می‌شود نیز، از روش رگرسیون گام به گام استفاده شد. بدین منظور، متغیر کیفیت زندگی به عنوان متغیر ملاک و ابعاد شخصیت به عنوان متغیر پیش بین وارد مدل رگرسیون شدند. نتایج حاصل در جدول شماره ۴ ارائه شده است.

جدول ۴: خلاصه نتایج رگرسیون ویژگی‌های شخصیتی جهت کیفیت زندگی

متغیر پیش بین	B	β	T	سطح معناداری	R	R^2	F	سطح معناداری
روان نزندگرایی	-۱/۳۸۱	-۰/۵۱۷	-۸/۳۳۸	۰/۰۰۰	۰/۶۴۱	۰/۴۱۱	۶۸/۶۴۸	۰/۰۰۰
وجدان گرایی	۰/۷۲۷	۰/۲۰۶	۳/۳۲۱	۰/۰۰۱				

پذیری و ثبات هیجانی با مفهوم هوش معنوی مناسب‌تر باشند. که این مطلب نیز در راستای تأیید روابط معنادار مشاهده شده در پژوهش حاضر می‌باشد [۲۶].

با توجه به رابطه مشاهده شده بین هوش معنوی و ویژگی‌های شخصیتی به منظور بررسی قدرت پیش بینی ویژگی‌های شخصیتی از رگرسیون گام به گام استفاده گردید. نتایج بدست آمده نشان داد که از پنج ویژگی شخصیتی فقط سه ویژگی برون گرایی، دلبذیر بودن و روان نژندگرایی وارد مدل رگرسیونی شدند و این ویژگی‌های شخصیتی توانستند تنها ۲۰ درصد از واریانس متغیر هوش معنوی را تبیین کنند. این یافته با گفته ناسل که معنویت می‌تواند بیانگر یک بعد جداگانه از شخصیت باشد هماهنگی دارد [۱۰]. مک هاوک نیز به طور جداگانه اذعان داشته است که ممکن است هوش معنوی خودش به عنوان یک صفت شخصیتی بشمار بیاید که از نظر قوت و ماهیت ابراز مثل هر صفت شخصیتی دیگر متفاوت باشد [۲۶]. این نگاه شاید شکل گسترش یافته‌ای از پیشنهاد‌های جیمز (به نقل از میرشمسی) و بعد از او آلپرت (به نقل از ناسل) باشد که اعتقاد داشتند مذهبی بودن بایستی به عنوان یک جنبه از ساختار شخصیتی فرد در نظر گرفته شود [۱۰،۷]. همچنین همسو با یافته‌های پژوهش حاضر یافته‌های زارع، پدram، شیروانیان، امیری، فراهانی، ابراهیمی و باقری بر نقش قابل ملاحظه ویژگی‌های شخصیتی در هوش معنوی افراد تأکید می‌نمایند و این ویژگی‌ها را به عنوان یک عامل پیش بینی کننده در افزایش هوش معنوی معرفی می‌کنند [۱۵،۱].

در پژوهش حاضر رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و کیفیت زندگی دانشجویان نیز مورد بررسی قرار گرفت بر طبق نتایج بدست آمده از محاسبه ضریب همبستگی پیرسون بین کیفیت زندگی و چهار ویژگی شخصیتی برون گرایی، دلبذیر بودن، وجدان گرایی و تجربه پذیری رابطه مثبت معنادار و بین کیفیت زندگی و روان نژندگرایی رابطه منفی معنادار وجود داشت. کیفیت زندگی تعریف وسیعی دارد که بر وضعیت سلامت فیزیکی، وضعیت روانی، استقلال، ارتباطات

نتایج حاصل از مدل رگرسیونی نشان داد که از پنج ویژگی شخصیتی فقط دو ویژگی روان نژندگرایی و وجدان گرایی وارد مدل رگرسیونی شدند و این ویژگی‌های شخصیتی توانستند حدود ۴۱ درصد از واریانس متغیر کیفیت زندگی را تبیین کنند.

بحث

پژوهش حاضر با هدف تعیین ارتباط بین ویژگی‌های شخصیتی با هوش معنوی و کیفیت زندگی در بین دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی انجام گرفت. یافته‌های بدست آمده از ضریب همبستگی گشتاوری پیرسون، حاکی از وجود همبستگی مثبت معنادار بین هوش معنوی و برون گرایی، دلبذیر بودن، وجدان گرایی و تجربه پذیری بود اما، بین هوش معنوی و مؤلفه‌های آن با روان نژندگرایی همبستگی منفی معنادار مشاهده شد. این یافته با یافته‌های پژوهش عابدینی و سرخی و نیز زارع، پدram و شیروانیان هم‌خوانی دارد که ارتباط منفی بین روان نژندگرایی و هوش معنوی و ارتباط مثبتی بین دلبذیر بودن، وجدان گرایی و برون گرایی با هوش معنوی یافته بودند [۲۳،۱۵]. امیری، فراهانی، ابراهیمی و باقری نیز در پژوهشی که بر روی دانشجویان دانشگاه تهران انجام دادند به نتایج مشابهی دست یافتند [۱]. همچنین محمد زاده و همکاران دریافتند که با افزایش ایمان درصد نرمال بودن افراد، افزایش و درصد نورتیک بودن آنان کاهش می‌یابد. که این امر هماهنگ با رابطه منفی مشاهده شده بین هوش معنوی و روان نژندگرایی در پژوهش حاضر می‌باشد [۲۴]. به علاوه رابطه مثبت مشاهده شده بین برون گرایی و هوش معنوی نیز هماهنگ با یافته‌های اعظم آزاده و توکلی در پژوهشی تحت عنوان «فردگرایی، جمع گرایی و دینداری» می‌باشد که بر طبق آن جمع گرایی با همه ابعاد دینداری ارتباطی مثبت و معنادار دارد [۲۵]. مک هاوک نیز عنوان می‌کند که با ارزیابی چندین نظریه شخصیتی، منجمله نظریه پنج عاملی شخصیتی مک کری و کاستم، به نظر می‌رسد که صفاتی مثل پذیرا بودن به تجربه‌ها، سازگاری، مسؤولیت

واریانس نمرات سلامت روانی را پیش بینی و توجیه نماید. بررسی‌های طولی نیز نشان می‌دهد افرادی که در ابعاد دلبذیر بودن و با وجدان بودن نمرات بالایی داشتند از اشخاصی که در این ابعاد نمرات پایین داشتند سلامت روانی بیشتری نشان دادند [۳].

نتیجه‌گیری

هوش معنوی با ابعاد شخصیتی برون‌گرایی، دلبذیر بودن، وجدان‌گرایی و تجربه‌پذیری رابطه مستقیم و با روان‌نژندگرایی رابطه معکوس دارد. این مسأله‌نشانگر این مطلب است که معنویت می‌تواند بیانگر یک بعد جداگانه از شخصیت باشد و افرادی که در ویژگی‌های برون‌گرایی، دلبذیر بودن، وجدان‌گرایی و تجربه‌پذیری نمره بالاتر و در روان‌نژندگرایی نمره پایین‌تر کسب می‌نمایند از توانایی بیشتری در درک عمیق سؤالات معنوی، بینش درونی و به طور کلی آگاهی از معنویت برخوردارند. همچنین رابطه مستقیم بین کیفیت زندگی و برون‌گرایی، دلبذیر بودن، وجدان‌گرایی و تجربه‌پذیری و رابطه معکوس بین روان‌نژندگرایی و کیفیت زندگی می‌تواند این مسأله را نشان دهد که افراد با کیفیت زندگی بالاتر می‌توانند روابط بین فردی سالم‌تر و موفق‌تری برقرار نموده و رضایت دیگران را جلب نمایند. بنابراین با توجه به نتایج بدست آمده از پژوهش حاضر به نظر می‌رسد که شناخت ویژگی‌های شخصیتی افراد می‌تواند متخصصین را در شناخت جنبه‌های دیگر زندگی آنان راهنمایی نماید. البته با توجه به این مسأله که پژوهش حاضر بر روی دانشجویان انجام شده است، در زمینه تعمیم این یافته‌ها به دیگر افراد باید احتیاط نمود و پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های مشابهی بر روی دیگر افراد انجام شده و یافته‌های بدست آمده از آنان با یافته‌های پژوهش حاضر مقایسه شود تا بتوان در زمینه تعمیم یافته‌های پژوهش نیز تصمیم مناسبی اتخاذ نمود.

اجتماعی و عقاید شخصی فرد تأثیر دارد [۱۴]، این ویژگی از مؤلفه‌هایی تحت عنوان عملکرد جسمانی، نقش جسمانی، درد بدنی، عملکرد اجتماعی، نقش هیجانی، سلامت عمومی، سرزندگی و سلامت روان تشکیل شده است. پژوهش‌های زیادی در رابطه با شخصیت و این ابعاد انجام گرفته است و این پژوهش همچون پژوهش انجام شده حاکی از وجود رابطه بین آنها می‌باشد. اولین پژوهش‌های انجام شده در این زمینه توسط کاستم و مک کری (به نقل از ناصری) انجام گرفت که نشان داد شادکامی با سطح بالای برون‌گرایی و سطح پایین روان‌نژندگرایی در افراد مرتبط می‌باشد [۸]. به دنبال این پژوهش، اکثر پژوهش‌های دیگر نیز مثل چن و همکاران [۲۷] و هیلز و همکاران [۲۸]، این ارتباطها را تأیید کرده‌اند. بعلاوه نتایج تحلیل رگرسیون انجام شده در پژوهش برناردو و همکاران [۲۹]، نشان داد که شخصیت (خصوصاً از طریق ابعاد برون‌گرایی و نوروئیسیسم)، یکی از همبسته‌های بسیار مهم سلامتی محسوب می‌شود و ارتباط مثبتی نیز بین انعطاف‌پذیری و عاطفه مثبت و منفی وجود دارد. همچنین در پژوهش هایز و جوزف [۳۰]، نشان داده شد که نمرات بالا در هر یک از ابزارهای سلامتی با برون‌گرایی بالاتر، نوروئیسیسم پایین و با وجدان بودن بالاتر همراه بودند.

در ادامه با توجه به رابطه مشاهده شده بین کیفیت زندگی و ویژگی‌های شخصیتی به منظور بررسی قدرت پیش‌بینی ویژگی‌های شخصیتی از رگرسیون گام به گام استفاده گردید. نتایج بدست آمده نشان داد که از پنج ویژگی شخصیتی فقط دو ویژگی روان‌نژندگرایی و وجدان‌گرایی وارد مدل رگرسیونی شدند و این ویژگی‌های شخصیتی توانستند حدود ۴۱ درصد از واریانس متغیر کیفیت زندگی را تبیین کنند.

در راستای یافته‌های پژوهش مک کری و کاستم بیان کردند که ابعاد شخصیتی دلبذیر بودن و با وجدان بودن می‌تواند تسهیل‌کننده عمده‌ای در تجارب مثبت بیشتر به ترتیب در موقعیت‌های اجتماعی و کسب موفقیت باشند که در نتیجه آن، میزان احساس شادکامی افزایش پیدا می‌کند. این یافته‌ها نشان دادند که شخصیت می‌تواند ۳۲ تا ۵۶ درصد از

سیاسگزاری

بدین وسیله از تمامی دانشجویان، مسئولین و کارکنان دانشکده‌های مربوطه که در این پژوهش همکاری و مشارکت داشته‌اند؛ کمال سپاسگزاری می‌شود.

سهام نویسندگان

ایده و طراحی مطالعه؛ جمع آوری، تجزیه و تحلیل داده‌ها: نرگس نصر اصفهانی

نگارش، تدوین و ویرایش مقاله: احمد اعتمادی، نرگس نصر اصفهانی

تعارض منافع

هیچ گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.

References

1. Amrai K, Farhani A, Ebrahimi M, Bagheriyan V. Relationship between personality traits and spiritual intelligence among university students. *Social and Behavioral Sciences* 2011; 15: 609–612.
2. Korotkov D, Hanna E. The five factor model of personality: strengths and limitations in predicting Health status, sick-role and illness behavior. *Pers Individ Dif* 2004; 36, 187-199
3. McCrae RR, Costa PT. Personality in adulthood. New York: Guilford, 2003.
4. Emmons R. Is spirituality intelligence? Motivation, cognition and the psychology of ultimate concern. *IntJ for the psychology of religion* 2000; 10(1): 3-26.
5. Emmons RA. The psychology of ultimate concern: motivation and spirituality in personality. New York: The Guilford Press, 1999.
6. Amir Amjy. The contribution of emotional and spiritual intelligence to effective business leadership [dissertation]. California: institute of transpersonal psychology, 2009. [In Persian]
7. MirShamsi F. Relationship between intelligence and spiritual quality of life for Technical Students - Engineering Azad University of Yazd in the public and the academic year 1387-1388 [dissertation]. Tehran: AllamehTabatabaie University 2009. [In Persian]
8. Nasserri I. Concept of spiritual intelligence components and making them a tool to measure the students of AllamehTabatabaie University in academic year 1386-87 [dissertation]. Tehran: AllamehTabatabaie University 2007. [In Persian]
9. MehrabiTaleghani Sh. Relationship between orientation religious and spiritual intelligence and hardiness in student of Azad University Science and Research [dissertation]. Tehran: Islamic Azad University, Science and Research Unit 2008. [In Persian]
10. Nasel DD. Spiritual Orientation in Relation to spiritual intelligence. A consideration of traditional chirstionity and New Age/individualistic spirituality [dissertation]. Melbourne, Australia: University of South Australia, 2004.
11. Halama P, Strizenec M. Spiritual. Existential or both? Theoretical considerations on the nature of higher intelligences. *StudiaPsychologica* 2004; 43(3): 239-253.
12. Wolman RN. Thinking with your soul: spiritual intelligence and why it matters. New York: Harmony Books, 2001.
13. Boujmehrani S. Investigating relation between spritual intelligence with personality disorders in AliabadeKatul's parents [dissertation]. Behshahr: Payam Noor University 2008. [In Persian]
14. Faramarzi S, Homai R, Hoseini MH. The relation between spiritual intelligence and emotional intelligence in students. *J Studies in Islam and Psychology* 2009; 3(5): 7-23. [In Persian]
15. Zare H, Pedram A, Shirvanian E. Prediction of students' spiritual intelligence by their personality characteristics. *J Research in Behavioural science* 2012; 10(1): 59-68. [In Persian]
16. Cadena JM, Vinaccias SM, Pcrez AP. The impact of disease activity onthe quality of life, mental and family dysfunction in Colombian patients with rheumatoid. *ArthritisJournal of Clinical Rheumatology* 2003; 9(3): 142-50.
17. Hayes N, Joseph S. Big 5 correlates of three measures of subjective well-being. *Pers Individ Dif* 2003; 18: 663-668.
18. Widiger TA. Five factor model of personality disorder: Integrating science and practice. *J Res Pers* 2005; 39; 67-83.

19. Widiger TA, Seidlits L. Personality, psychopathology, and aging. *Research in personality* 2002; 36: 335-362.
20. Bashiri Z. Standardization of five factors of personality test short form Oliver - John in Isfahan [dissertation]. Khomeini Shahr: Islamic Azad University, 2007. [In Persian]
21. Badie A, Savari L, Bagheri Dasht Bozorg N, Latifizadegan V. Construction and validation of spiritual intelligence. Proceedings of the National Congress of Psychology. Tabriz: Payam Noor University 2010. PP: 180-85. [In Persian]
22. Eshaghi SR, Ramezani MA, Shahsanaee A, Pooya A. Validity and reliability of the short form 36 items questionnaire as measure of quality of life in elderly iranian population. *American J of Applied Sciences* 2006; 3: 1763-1766.
23. Abedei F, Sorkhi Z. The relation between spiritual intelligence and personality characteristics in individual between 19-50 years old in Sary. dissertation of General Psychology [dissertation]. Behshahr: Payam Noor University, 2009. [In Persian]
24. Mohammad Zadeh L, Sadeghi Movahed F, Ahadi A. Effect of faith on the personality of students in Ardabil medical sciences. *Teb&Tazkiye* 2005; (14): 30-34. [In Persian]
25. Azam Azadeh M, Tavakoli A. Individualism, pluralism and religiosity. *Iranian Journal of Cultural Studies and Communications Association* 2007; 3(9): 101-125. [In Persian]
26. Mac Hovec F. Spiritual intelligence: The behavioral science and the humanities. Lewiston, New York: The Mellen Press, 2002.
27. Chan R, Joseph S. Dimensions of personality, domains of aspiration and subjective well-being. *Pers Individ Dif* 2000; (28): 347-54.
28. Hills P, Argyle M. Emotional stability as major dimension of happiness. *Pers Individ Dif* 2001; (31): 1357-64.
29. Bernardo M, Gonzalez Gauttierrez J, Garrosa L. Personality and subjective well-being: big five correlates and demographic variables. *Pers Individ Dif* 2005; (38): 1561-1569.
30. Hayes N, Joseph S. Big 5 correlates of three measures of subjective well-being. *Pers Individ Dif* 2003; (18): 663-668.

How to cite this article: Nasr Esfahani N, Etemadi A. The relation between personality traits with spiritual intelligence and quality of life in students of Alame Tabatabaie University. *J Research Health* 2012; 2(2): 226-235